

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجنیا - ۲۳ نومبر ۲۰۱۳

نجوای مرگ

امواج خروشنده با تندى و شتاب روی دامان یکدیگر سر مینهادند. گاه آرام و بی صدا و گاه غرش کنان در گستره نیلگون دریا با رقص طوفانها میپیوستند.

دانه دانه باران عطش زمین را به آهستگی فرو مینشانند. باری هم خورشید جسورانه قلب آسمان را خنجر میزد و صاعقه فریاد را از گلوی پاره شده ابرها برملا میساخت.

پیکری حزین و ناصبور، اندوهگین و مالمال از وسواس و درد، با گامهای شمرده و متردد کنار دریا نزدیک شد و با تیر شکسته نگاهش دل رمزآمیز امواج را نشانه گرفت.

لحظاتی چند مأیوسانه نگریست و نجواکنان هدیه هستی را در لافاه تاریک حسرت پیچید.

برگ خشکیده لبانش روی ساقه صدا جنبش و لرزیدن گرفت و تکرارکنان گفت:

زندگی! سراب، فریب، نیازمندی و بیچارگی، ناامیدی و شکست، بن بست و دیوار بعد دیوار، ظلمت دره بی نشان، رنج و ملال و نیستی

عشق؛ یعنی از حرکت گامها ایستادن و از سطح یقین در قعر حيله و مکر راه جستن

عشق زهر خواستنی و مرگ تدریجی!

بعد از فاصله کوتاه زمان بستر امواج تپشهای قلبی را به خود ستاند و روح رنجوری روی آئینه فلسها با ماهیان گرسنه عقد معاونت بست.

و با قطار سریع حبابها معنای آرامش بخش مرگ را در سطح امواج سپرد.

(ناهید "غزل" غنی زاده - شنبه ۳۰ ثور ۱۳۵۷، ساعت دو بجه نیمه شب)